سرهنگ فیروز کشیر، معاون اجتماعی پلیس راهور پایتخت در گفت‌وگو با «جوان»:

وزارت صمت تولیدکنندگان موتورسیکلت را ملزم به نصب قطعه هوشمند کند

نصب قطعه هوشمند می‌تواند هرگونه تخلف راکب را به صورت برخط به پلیس گزارش دهد

■ حسین فصیحی

تخلفی در رانندگی وجود ندارد که راکبان متخلف موتورسیکلت مرتکب آن نشده باشند. عبور از پل‌های عابرپیاده، حرکت خلاف مسیر بزرگراه و خیابان، عبور از چراغ قرمز و لایی کشیدن بین خودروهای عبوری و تخلف‌هایی بیشتر از این، منجر به برهم خوردن نظم ترافیکی و ایجاد سانحه رانندگی می‌شود که در موارد بسیاری منجر به از دست رفتن جان راکبان و دیگر کاربران راه و نارضایتی عمومی می‌شود. درباره آسیب‌های تخلف موتورسواران موضوع را در گفت‌وگو با سرهنگ فیروز کشیر، معاون اجتماعی پلیس راهور پایتخت بازکاوی کرده‌ایم که در ادامه می‌آید.

فراگیری استفاده از موتورسیکلت در پایتخت آسیب‌های بسیاری را به دنبال دارد، از جمله این افزایش تخلف راکبان موتورسیکلت به نارضایتی‌های عمومی منجر شده است. طرح‌ها مستمر پلیس راهور در برخورد با متخلفان در جریان بوده و هست، از جمله طرح ۱۰ که تلاش می‌کند با نگاه فرهنگی به کاهش آسیب‌های این حوزه کمک کند. پرسش این است که آیا سازوکاری تازه برای برخورد با متخلفان در پیش گرفته‌اید یا همان رویه قبل دنبال خواهد شد؟

ابتدا از رسانه «جوان» از همراهی که با پویش «نه به تصادف» دارد، تشکر می‌کنم. وقتی پلیس راهور پایتخت در ۱۸ دی‌ماه سال ۱۴۰۲ طرح ۱۰ را برای کاهش آسیب‌های ترافیکی در دستور کار قرار داد، میزان استفاده مردم از کلاه‌ایمنی ۲۲ درصد بود و این میزان یک سال بعد، یعنی ۱۸ دی‌ماه سال ۱۴۰۳ به حدود ۵۸ درصد رسیده‌بود، بنابراین روشن شد فعالیت‌های فرهنگی پلیس که از طریق رسانه‌ها منتشر شد، در افزایش استفاده از کلاه‌ایمنی نقش بسزایی داشت. اولویت ما در پلیس راهور تهران، راهکارهای فرهنگی و ایجابی است و برخوردهای سلبی و برخی خدمات اجتماعی که برخی راکبان متخلف باید آن را انجام دهند، اولویت بعدی ما است. شما به فراگیری استفاده از موتورسیکلت اشاره می‌کنید که این موضوع بدیهی است. دلیل فراگیری استفاده از موتورسیکلت هم کمبود حمل‌ونقل عمومی، استهلاک بالای خودرو، ارزان‌بودن موتورسیکلت، عبور آسان از ترافیک و مواردی از این دست است که دامنه استفاده از آن روزافزون می‌شود. شما به گلایه‌مندی مردم از تخلف موتورسواران اشاره می‌کنید که این موضوع درست است. ما برآوردهای اجتماعی در این مورد را صورت داده‌ایم و می‌دانیم مردم از این موضوع گلایه‌دارند، با این حال برای جلب رضایت مردم تلاش می‌کنیم براساس گزارش‌های سازمان پزشکی قانونی بیش از ۴۶ درصد از تصادفات فوتی تهران موتورسیکلت‌سواران هستند و بالای ۸۰ درصد از این آمار به علت عدم استفاده از کلاه ایمنی و بر اثر ضربه به سر فوت می‌کنند. ما سازوکارهای فرهنگی‌مان را مثل سال‌های قبل ادامه خواهیم داد و برای آن دسته از کسانی که قوانین را زیر پا می‌گذارند، برخورد قانونی صورت می‌دهیم و در مواردی موتورسیکلت آنها به پارکینگ منتقل می‌شود. ما در هفته‌های پیش رو، طرح تشدید با موتورسواران متخلف را اجرا خواهیم کرد. گلایه‌های مردم به درستی صورت می‌گیرد و ما با کسانی که به حریم مردم تعدی می‌کنند، برخورد خواهیم کرد. همواره تأکید داریم ایمن مردم خط قرمز پلیس است. راکبان موتورسیکلت به عنوان شهروندان آگاه باید بدانند استفاده از کلاه ایمنی هنگام رانندگی یک ضرورت است، عبور از خطوط ویژه مختص اتوبوس شرکت واحد و خودروهای امدادی است و به طور کلی آنها هم باید شهروندان قانونمدار باشند.

شما روی فعالیت‌های فرهنگی تأکید دارید. به باور بنده پلیس راهور تهران در حوزه اطلاع رسانی ترافیکی بیش از رده‌های دیگر پلیس فراجا توان خود را برای اطلاع‌رسانی در این حوزه به کار گرفته‌است و از ظرفیت‌های رسانه‌ای برای اطلاع‌رسانی استفاده می‌کند. روشن است تلاش پلیس برای صیانت از جان کاربران راه است و اگر موتورسواران متخلف هم تذکر یا متوقف می‌شوند، صرفاً هدف تلاش پلیس برای حفظ سلامت آنهاست، با این حال در کنار ساختارهای فرهنگی و سلبی پلیس، در خیابان‌ها وضعیت به گونه‌ای دیگر دنبال می‌شود. پارکینگ‌ها مدام خالی و پر می‌شوند و آن‌گونه که در خطوط ویژه خیابان‌هایی مثل جمهوری یا مولوی شاهد هستیم، این خطوط کلاً در تسخیر موتورسوارها است. در چنین وضعیتی مردم سؤال می‌کنند پلیس کجاست؟

براساس اعلام مرکز شماره‌گذاری، در حال حاضر بیش از ۴ میلیون و ۷۰۰ هزار موتورسیکلت در تهران تردد می‌کنند. این فراوانی، موتورسیکلت‌هایی را که از شهرستان به تهران منتقل شده‌اند یا پلاک‌های قدیمی که در حال تردد هستند، شامل نمی‌شود. در کنار این آمار ۴ میلیون و ۵۰۰ دستگاه خودرو هم تردد می‌کنند که در مجموع حدود ۱۰ میلیون موتور و خودرو در حال ترددند. سؤال این است که پلیس چه تعداد نیرو برای برخورد این مقدار وسیله نقلیه دارد؟ ما فقط با موضوع موتورسیکلت مواجه نیستیم، بلکه خودرو هم موضوعیت دارد، بنابراین آیا پلیس توانایی برخورد با این تعداد تخلف را دارد؟ من صراحتاً عرض می‌کنم پلیس با این تعداد نیرویی که دارد، به تنهایی قادر به کنترل این تعداد خودرو و موتورسیکلت نیست، برای همین سایر ارگان‌ها هم باید کمک حال ما باشند.

چه کمکی؟

وزارت صمت باید به پلیس کمک کند. باید شرکت‌های سازنده موتورسیکلت را ملزم کند نرم‌افزارهای الکترونیکی روی این وسایل نقلیه نصب کنند که پلیس قادر باشد به صورت برخط رفتار ترافیکی موتورسیکلت‌ها را کنترل کند. وقتی این موتورسیکلت در حال تردد باشد با استفاده از نقشه‌های GIS شهرداری اگر مثلاً از چراغ قرمز عبور کند یا وارد محل ورود ممنوع شود، این تخلف به صورت برخط به پلیس گزارش داده می‌شود و متخلف جریمه و در این صورت منجر به بازدارندگی می‌شود. شما درست می‌فرمایید ما موتورهای زیادی را توقیف کردیم، اما در مواردی بسیار به دلیل ارزان بودن موتورسیکلت خیلی‌ها به دنبال ترخیص آن هم نمی‌آیند. پلیس به استناد قانون وظیفه اجرایی دارد و به استناد قانون مجری قوانین مصوب شده‌است. وظیفه داریم وسیله نقلیه کم‌ایمن به نام موتورسیکلت را که در حال ارتکاب تخلف است، در چارچوب قانون توقیف و به پارکینگ منتقل کنیم. همین‌طور به استناد قانون موظف هستیم در صورت مراجعه مالک با در نظر گرفتن طی کردن مراحل قانونی موتورسیکلت را ترخیص کنیم. ما خارج از قوانین نمی‌توانیم کار کنیم. باید آگاه باشیم که سازمان‌های بسیاری در این‌باره دخیل هستند. باید آموزش و پرورش در این باره مورد پرسش قرار گیرد. موضوعات آموزشی باید در این سازمان به کودکان آموزش داده شود.

آیا مطالبه مردم فقط به پلیس برمی‌گردد؟ خیر. ارگان‌های دیگری هم در این امر دخیل هستند که باید پای کار بیایند و در کنترل موتورسیکلت به ما کمک کنند. حالا چه از لحاظ فرهنگی باشد، چه وزارت صمت یا شهرداری یا هر سازمان دیگری که در این امر دخالت دارد.

بله. شما به درستی به این موضوعات اشاره دارید با این حال موضوعات مطرح‌شده نافی این نیست که در برخی خیابان‌ها مردم هنگام عبور از عرض خیابان از ترس موتوری‌ها دچار وحشت شوند. ضمن اینکه فرمانده فراجا اعلام کرده در صورت ضرورت از ظرفیت یگان ویژه هم استفاده می‌شود. در حال حاضر در جریان طرح‌های مختلف از این ظرفیت استفاده می‌شود. یگان ویژه هم می‌خواهد همین کار را دنبال کند، یعنی متخلفان را توقیف و موتورها را راهی پارکینگ کنند که ما این کار را می‌کنیم.

در دهه ۷۰ از این تجربه استفاده شده‌است؛ یعنی یگان‌های ویژه با استقرار در خطوط ویژه با متخلفان برخورد می‌کردند. بعد از اجرای طرح و زمانی که یگان ویژه خیابان‌ها را ترک کرد تا مدتی راکبان ترس از عبور از خطوط ویژه را داشتند. روشن است اگر این طرح هم اجرایی شود، مثل مسکن عمل می‌کند و منجر به بازدارندگی پایدار نمی‌شود که این آسیب همان‌گونه که اشاره کردید با همگرایی همه سازمان‌ها و رجعت به ریشه‌های فرهنگی رفع می‌شود. روشن است کشورهایی مثل شرق آسیا که گفته می‌شود در این‌باره پیشرو هستند، تجربیات خوبی دارند. سؤالم این است که آیا از مطالعات تطبیقی در این‌باره استفاده می‌شود؟

وضعیت مطالعات تطبیقی که اشاره کردید در دفتر تحقیقاتمان مطرح است. با این حال ما در نشست‌های اندیشه‌ورزی‌مان جلسات مستمری با افسران بازنشسته، اساتید دانشگاه، روانشناسان، روانپزشکان و افرادی در شهرداری و شورای شهر داریم که معضلات ترافیکی در آن بررسی می‌شود. سال گذشته پلیس راهور تهران با کمک معاونت حمل و نقل ترافیک شهرداری تهران ۴۰ هزار کلاه ایمنی رایگان در اختیار راکبان موتورسیکلت قرار داده‌است. در اختیار همان افرادی که اعلام کردید در خیابان مولوی یا جاهای دیگر در حال تردد هستند و ممکن است از طبقه پایین اجتماع باشند و با همان وسیله نقلیه امرار معاش می‌کنند. کلاه دادیم که زنده بمانند. همان‌طور که رئیس‌جمهور اعلام کردند برای خودش، خانواده‌اش و کشور زنده بماند و به قانون احترام بگذارد. ما در پلیس راهور به فعالیت‌های فرهنگی‌مان ادامه خواهیم داد. شاید در این‌باره مورد پرسش هم قرار بگیریم، اما تأکید دارم که وزارت صمت کارخانه تولید موتورسیکلت را مجبور کند، سیستم الکترونیکی در موتورسیکلت نصب کند که پلیس متخلف را شناسایی کند. آیا این امکانات را در اختیار پلیس قرار داده‌ایم؟ رسانه‌ها هم باید از دیگر سازمان‌ها در این‌باره مطالبه کنند. در حال حاضر با وجود هوش مصنوعی، نخبگان و مخترعان بسیار خوب و شرکت‌های دانش‌بنیانی که در اختیار داریم، می‌توانیم از این ظرفیت استفاده کنیم که بتوانیم به اجرای بهتر قانون کمک کنیم. پویش «نه به تصادف» با یک ایده شکل گرفت و به یک همگرایی منجر شد، پس همه ارگان‌ها باید برای صیانت از جان کاربران به هم کمک کنیم.

پایان تراژدی قتل آشپز بانک با خودکشی عامل قتل

عامل قتل آشپز بانک در محاصره پلیس به زندگی‌اش پایان داد

■ آرمین بینا

زن میانسالی که به اتهام قتل آشپز یک بانک با انتشار تصویرش در صفحه حوادث روزنامه «جوان» تحت تعقیب مأموران پلیس قرار داشت، وقتی متوجه شد مأموران پلیس مخفیگاه او را شناسایی کرده‌اند و در یک قدمی او هستند با خوردن قرص به زندگی‌اش پایان داد. تحقیقات از همدست وی که با کارت عابر سرقتی مقتول برای خرید طلا به مغازه طلافروشی رفته بودند از سوی مأموران ادامه دارد.

بهمن‌ماه سال گذشته گم شدن ناگهانی مرد میانسالی در تهران به مأموران پلیس خبر داده شد.

آنطور که خانواده مرد گمشده اعلام کردند، کمال ۶۰ ساله آشپز یک بانک در یکی از خیابان‌های شمال تهران بود که پس از پایان کارش به طرز مشکوکی ناپدید می‌شود. مأموران پلیس دریافتند روز حادثه او با خودرویش از محل کارش بیرون می‌آید و با خانواده‌اش تماس می‌گیرد که با یکی از دوستانش قرار ملاقات دارد و چند ساعت بعد به خانه برمی‌گردد، اما وقتی خبری از او نمی‌شود خانواده‌اش اعلام مفقودی می‌کنند.

تحقیقات برای پیدا کردن ردی از مرد گمشده از سوی تیمی از کارآگاهان پلیس آگاهی تهران زیر نظر قاضی غلامحسین صادق‌زاده، بازپرس شعبه هفتم دادسرای جنایی تهران ادامه پیدا کرد تا اینکه چند روز بعد مأموران پیکر نیمه‌جان کمال را داخل خودرویش در یکی از خیابان‌های اطراف بزرگراه یادگار امام پیدا و مرد میانسال را برای درمان به بیمارستان منتقل کردند. مرد میانسال تحت درمان بود، اما پس از چند روز به کام مرگ رفت و پزشکان اعلام کردند وی بر اثر مسمومیت دارویی با خوراندن نوشیدنی مسموم فوت کرده است.

■ **انتشار تصویر مجرمان**

بنابراین رسیدگی به این حادثه وارد مرحله تازه‌ای شد و فرضیه قتل با توجه به سرقت اموال و کارت‌های عابر مرد فوت شده قوت گرفت و مأموران احتمال دادند سارق یا سارقانی در پوشش مسافر سوار خودروی مقتول شده‌اند و با انگیزه سرقت اموالش او را مسموم کرده و به قتل رسانده‌اند.

مأموران در بررسی دوربین‌های مداربسته دریافتند روز حادثه زن میانسالی به عنوان مسافر سوار خودروی مقتول شده و پس از سرقت اموال کمال از خودرو پیاده و از محل دور شده است. تحقیقات برای شناسایی عامل یا عاملان قتل ادامه داشت که مأموران پلیس متوجه شدند زن و مردی با کارت عابر مقتول به مغازه طلافروشی رفته‌اند و مقداری طلا خریده و از یک مغازه دیگر هم وسایلی خریداری کرده‌اند.

با به دست آمدن این اطلاعات، مجرمان تحت تعقیب قرار گرفتند، اما پس از گذشت مدت طولانی ردی از دو متهم به دست نیامد و قاضی غلامحسین صادق‌زاده برای شناسایی عاملان قتل دستور انتشار تصویر متهمان را صادر کرد. پس از انتشار تصاویر دو متهم در روزنامه «جوان»، مأموران پلیس با تماس شهروندی، یکی از متهمان به نام کامران را شناسایی و بازداشت کردند، اما متوجه شدند زن میانسال که متهم به خوراندن نوشیدنی مسموم به کمال بوده به مکان نامعلومی گریخته است.

■ **خودکشی قاتل**

متهم دستگیر شده در بازجویی‌ها ادعا کرد در زمان حادثه همراه فریبا نبوده و فقط برای خرید طلا همراه او به مغازه طلافروشی رفته و خبر نداشته که او مرتکب قتل شده است.

از سوی دیگر بررسی‌ها حکایت از آن داشت زن میانسال معروف به فریبا سارق سریالی است که به عنوان مسافر سوار خودروی مسافرکشان می‌شود و با خوراندن آبمیوه مسموم آنها را بیهوش و اقدام به سرقت اموالشان می‌کند.

بدین ترتیب تحقیقات برای دستگیری قاتل فراری ادامه داشت تا اینکه چند روز قبل شهروندی با اداره پلیس تماس گرفت و گفت زن متهمی که تصویرش به عنوان قاتل در روزنامه جوان چاپ شده در آپارتمانی در یکی از خیابان‌های جنوبی شهر زندگی می‌کند. با اعلام این خبر، تیمی از مأموران راهی محل شدند، اما هر چقدر در آپارتمان محل زندگی فریبا را زدند کسی در را باز نکرد. در چنین شرایطی مأموران با دستور بازپرس پرونده با تخریب قفل در وارد خانه و در اتاق پذیرایی با جسد بی‌جان فریبا روبه‌رو شدند که نشان می‌داد وی وقتی متوجه حضور مأموران پلیس در محل زندگی‌اش شده با خوردن تعداد زیادی قرص به زندگی‌اش پایان داده است. در حالی که بررسی‌ها حکایت از آن دارد همدست زن فوت شده در سرقت‌های سریالی او نقشی نداشته است، تحقیقات همچنان درباره این حادثه ادامه دارد.

فرار خواستگار شیطان‌صفت پس از کمای دختر فریب‌خورده

■ غلامرضا مسکنی

دختر جوانی که پس از دو هفته در کما با تلاش پزشکان از پرتگاه مرگ به زندگی بازگشت، ماجرای خواستگار شیطان‌صفتی که او را تا یک‌قدمی مرگ کشانده‌بود، شرح داد. بررسی‌های مأموران نشان داد خواستگار قلابی مجرم سابقه‌داری است که متأهل و چند فرزند دارد که پس از حادثه فراری شده‌است.

چند روز قبل، مرد چوپانی از ارتفاعات روستایی در یکی از شهرهای استان سمنان با اداره پلیس تماس گرفت و اعلام کرد پیکر نیمه‌جان دختر جوانی را ته دره‌ای پیدا کرده‌است.

با اعلام این خبر به سرعت تیمی از مأموران پلیس و عوامل اورژانس به محل حادثه رفتند. بررسی‌های تیم پزشکی حکایت از آن داشت دختر جوان چند ساعت قبل به دلایل نامعلومی از کنار جاده به ته دره سقوط کرده و پس از اصابت سرش به سنگی به کما رفته‌است. بنابراین دختر جوان برای درمان به بیمارستان منتقل شد و مأموران هم تحقیقات خود را درباره این حادثه آغاز کردند.

■ **تحقیقات میدانی**

در تحقیقات مأموران مشخص شد دختر زخمی اهل روستاها و شهرهای اطراف نیست و مدارک شناسایی او نشان می‌دهد وی همراه خانواده‌اش در تهران زندگی می‌کند و به دلایل نامشخصی پیکر زخمی و نیمه جان او در این مکان پیدا شده‌است. مرد چوپان به مأموران گفت: «همیشه گوسفندانم را برای چرا به این محل می‌آورم تا اینکه ساعتی قبل متوجه پارس سگ گله شدم و به دنبال او رفتم و با پیکر خونین و نیمه‌جان دختر جوانی روبه‌رو شدم. البته ساعتی قبل از کشف پیکر دختر جوان از دور متوجه خودروی سواری شدم که برای لحظاتی کنار جاده توقف کرد و حتی دیدم مردی از خودرو پیاده شد، اما بعد سوار خودرویش شد و به سرعت از محل رفت.»

■ **بازگشت به زندگی**

در حالی که دختر جوان در پرتگاه مرگ قرار داشت و تیم پزشکی تلاش می‌کرد وی را از مرگ نجات دهد، مأموران پلیس با تحقیق از خانواده وی دریافتند ساناز چند ساعت قبل از حادثه برای دیدن یکی از دوستانش از خانه‌شان بیرون رفته و دیگر بازنگشته‌است تا اینکه چوپانی پیکر زخمی وی را ته دره‌ای کشف می‌کند.

تحقیقات درباره این حادثه ادامه داشت و دو روز قبل به مأموران پلیس خبر رسید ساناز به طرز معجزه‌آسایی پس از گذشت دو هفته از حادثه به هوش آمده و راز حادثه خونینش را آشکار کرده‌است.

■ **آشنایی در اینستاگرام**

دختر جوان پس از بهبودی نسبی به مأموران گفت: «مدتی قبل در اینستاگرام با مرد جوانی به نام فرشید آشنا شدم. او خودش را مهندس و مدیر یک شرکت تجاری معرفی و بعد هم به من ابراز علاقه کرد. ارتباط تلفنی و پیامکی ما ادامه داشت و من هم کم‌کم به او علاقه پیدا کردم و عاشق او شدم. فرشید قول داد به زودی به خواستگاری‌ام می‌آید و چند باری هم داخل خیابان و کافی‌شاپ با هم قرار گذاشتیم و درباره زندگی آینده‌مان با هم صحبت کردیم. حرف‌هایش خیلی قشنگ بود، اما من متوجه نشدم او با چرب‌زبانی و صحبت از عشق و عاشقی چه نیت شومی در سر دارد و می‌خواهد مرا فریب دهد. به هر حال او مرا فریب داد و قرار شد قبل از خواستگاری‌اش از نزدیک با مادر و خواهرش آشنا شوم.»

■ **تصمیم آخر**

شاکی ادامه داد: «روز حادثه در یکی از خیابان‌های جنوب شرقی تهران با هم قرار گذاشتیم تا به ملاقات مادرش برویم. فرشید مرا سوار خودرویش کرد و به راه افتادیم، اما پس از طی مسافتی از شهر خارج شد. وقتی از او سؤال کردم چرا از شهر خارج می‌شوی، ادعا کرد مادر و خواهرش در کافی‌شاپی در یکی از شهرهای اطراف منتظر ما هستند، اما من باور نکردم و از او خواستم توقف کند تا پیاده شوم. هر چقدر اصرار کردم خودرویش را متوقف نکرد و در ادامه هم با تهدید چاقو از من خواست سکوت کنم. چاقویش را به پهلویم احساس کردم و از ترس سکوت کردم. از شهر دور شدیم و می‌خواست وارد جاده روستایی شود که باز هم با گریه و زاری از او خواستم رهایم کند، اما التماس‌های من دل سنگ او را به درد نیاورد و فهمیدم در سر نیت شیطانی دارد. تصمیم آخرم را گرفتم و در حالی که خودرو در حال حرکت بود در خودرو را باز کردم و خودم را بیرون انداختم و غلتی زدم و به ته دره‌ای سقوط کردم. لحظاتی بعد سرم گیج رفت و بی‌هوش شدم. تصور می‌کنم فرشید بعد از این حادثه، بالای سرم آمد و وقتی مرا خونین و بی‌هوش دیده، فکر کرده‌بود من فوت کرده‌ام و فرار کرد.»

■ **زورگیر سابقه‌دار**

با به دست آمدن این اطلاعات، پرونده به دستور بازپرس دادسرای امور جنایی تهران برای شناسایی خواستگار قلابی در اختیار تیمی از کارآگاهان زبده پلیس آگاهی پایتخت قرار گرفت. مأموران پلیس در نخستین گام چهره متهم را با کمک شاکی بازسازی کردند و در ادامه هم احتمال دادند متهم که تصور می‌کرده دختر جوان در این حادثه کشته شده‌است، پس از حادثه برای به دست آوردن اطلاعاتی از شاکی به محل حادثه بازگشته‌است. مأموران در بررسی‌های میدانی دریافتند مرد جوانی با همان مشخصات ظاهری و خودروی سواری به کیوسک کنار جاده‌ای در آن نزدیکی رفته و از سرنوشت دختر زخمی پرس و جو کرده و پس از خرید خوراکی از آنجا رفته‌است. کارآگاهان با بررسی تراکنش خرید، متوجه شدند شماره حساب متعلق به مردی به نام کامبیز است. در ادامه بررسی‌ها مشخص شد کامبیز مجرم سابقه‌داری است که چند باری به اتهام سرقت و زورگیری و درگیری بازداشت و روانه زندان شده‌است، همچنین متأهل و دارای فرزند است. بدین ترتیب معلوم شد خواستگار قلابی دختر جوان را فریب داده و به زور از شهر خارج کرده و می‌خواسته نیت شوم خود را اجرا کند، اما موفق نشده‌است. تحقیقات برای دستگیری متهم فراری ادامه دارد.

کشف محموله هروئین از معده ۴ سرنشین خودرو

فرمانده انتظامی شهرستان استهبان از کشف ۲ کیلو و ۲۲۵ گرم هروئین از معده چهار سوداگر مرگ خبر داد.

به گزارش «جوان»، سرهنگ حجت‌اله احمدیان گفت: مأموران پلیس هنگام کنترل خودروهای عبوری در محور مواصلاتی استهبان به شیراز، به یک پژو ۴۰۵ مشکوک شدند و آن را برای بررسی بیشتر متوقف کردند. وی افزود: با استفاده از تجربه و شیوه و شگردهای پلیسی، مأموران انتظامی متوجه شدند سرنشینان اقدام به بلعیدن موادمخدر کرده‌اند.

فرمانده انتظامی استهبان گفت: پس از هماهنگی قضایی، هر چهار سرنشین خودرو به بیمارستان منتقل شدند و در این خصوص ۲ کیلو و ۲۲۵ گرم هروئین از معده قاچاقچیان خارج شد.

سرهنگ احمدیان خاطر نشان کرد: متهمان برای سیر مراحل قانونی روانه دادسرا شدند.

آگهی مزایده اموال غیر منقول

به موجب پرونده اجرائی کلاسه ۱۴۰۳۰۲۱۷۱ له محمد مرداسی علیه نعیم لویمی مقدار ۰/۸۶۳ دانگ (هشتصد و شصت و سه هزارم دانگ) مشاع از ششدانگ یک قطعه زمین مزروعی پلاک ثبتی شماره ۴۷ فرعی از ۳۱ اصلی (چهل و فت فرعی از سی و یک اصلی) واقع در بخش ۵ شهرستان باوی در مجاورت روستای بحیر استان خوزستان به مساحت یکصد و شصت و نه هزار و هشتصد متر مربع (۱۶۹۸۰۰) شماره مستند مالکیت ۶۲۰/۰۱/۱۸۲۴ تاریخ ۱۴۰۱/۱۰/۱۰ موضوع سند مالکیت اصلی به شماره چاپی ۱۹۵۵۹۱ سری ج سال ۰۰ به شماره دفتر الکترونیکی ۱۴۰۱۰۳۱۷۱۲۶۰۰۰۹۶۱ ثبت گردیده است. ملکی آقای نعیم لویمی فرزند عبدالله شماره شناسنامه ۲۰۰۹ تاریخ تولد ۱۳۶۵/۱۱/۰۱ صادره از اهواز دارای شماره ملی ۱۷۵۷۸۸۹۸۲۵ که در برابر نظریه کارشناس رسمی دادگستری ششدانگ به مبلغ کل ۱۰۱/۸۸۰/۰۰۰/۰۰۰ ریال (یکصد و یک میلیارد و هشتصد و هشتاد میلیون ریال) به قرار هر متر مربع ۶۰۰/۰۰۰ ریال ارزیابی گردیده که میزان ۰/۸۶۳ دانگ از ششدانگ به ارزش ۱۴۶۵۳۷۴۰۰۰۰ ریال (چهارده میلیارد و ششصد و پنجاه و سه میلیون و هفتصد و چهل هزار ریال) از طریق مزایده به فروش می‌رسد. مزایده از ساعت ۹ الی ۱۲ روز شنبه مورخ ۱۴۰۴/۰۳/۰۳ (سوم خرداد ماه جاری) در محل اهواز کوی رسالت بلوار دعبل خزاعی جنب مجتمع قضایی شهید باهنر اداره اجرای اسناد رسمی اهواز طبقه دوم از مبلغ (۱۴/۶۳۱/۶۴۹/۶۰۰ ریال) مقدار ۰/۸۶۳ دانگ (هشتصد و شصت و سه هزارم دانگ) مشاع از ششدانگ آغاز و به بالاترین قیمت پشنهادی نقدا فروخته می‌شود و کلیه هزینه‌های قانونی به عهده برنده مزایده است و نیم عشر و حق مزایده نقدا وصول خواهد شد همچنین شرکت در مزایده منوط به پرداخت ۱۰ صد مبلغ پایه مزایده به صندوق ثبت در روز مزایده می‌باشد و مابقی مبلغ نیز ظرف مدت ۵ روز پس از مزایده می‌بایست پرداخت گردد چنانچه روز مزایده مصادف با تعطیل رسمی اعلام گردد مزایده در روز اداری بعد از روز تعطیل برگزار می‌گردد.

تاریخ انتشار: ۱۴۰۴/۰۲/۱۷
شناسه آگهی: ۱۹۲۶۷۰۷